

با لبخند به بهشت وارد شوید

برخی مسلمانان با استناد به بعضی روایات صوفیانه که نمی‌تواند هیچ ارتباط اصیلی بامتون دینی داشته باشد، قرن‌های متمادی تفریح کردن و نشاط را برای یک مسلمان نقطه ضعف معرفی می‌کرده‌اند. ولی با بررسی آیات و روایات دینی به این نتیجه می‌رسیم که مطلب این چنین نیست.

پیغمبر دستور صادر کرده بود که همه نیروها برای شرکت در مبارزه علیه کفاری که به سرزمین اسلامی هجوم آورده بودند، بسیج شوند. عده‌ای با پیهانه‌های مختلف از شرکت در جنگ خودداری کرده بودند. در این وضعیت، آیات قرآن بر پیغمبر نازل می‌شود و می‌گوید: لعنت خدا بر این کسانی که دیدند پیامبرشان با انبوه مسلمان‌ها به میدان نبرد می‌رود، اما بازهم علاقه به زندگی، آن‌ها را وادار کرد که از فرمان خدا و رسول تخلف کنند. به دنبال آن و به عنوان یک نفرین می‌گوید: از این پس این گروه نافرمان می‌بخندند و بسیار بگریزند. این راه عنوان یک نفرین بر گروه نافرمان می‌گوید. از این آیه می‌فهمیم که در نگاه اسلام، زندگی با نشاط، نعمت و رحمت خداست و زندگی همراه با گریه و زاری، خلاف رحمت و نعمت خداست.

اصولا تفریح یکی از نیازهای زندگی انسان است. نه فقط به عنوان تجدید قوا، بلکه اصولا به عنوان یکی از نیازهای اصلی مطرح است. انسان غذا می‌خورد، هدف از خوردن غذا این است که آن مقدار از کالری که بدن مصرف کرده است، مجدداً از راه خوردن غذا تولید شود و این نیازی طبیعی است. نه نیازی ارادی. خدا خواسته است که انسان با احساس احتیاج به تفریح، همواره نشاط زندگی کردن داشته باشد. یک نظام اجتماعی باید برای ارضای این خواسته طبیعی فکری کند. چه کسی می‌تواند درباره اسلام بگوید اسلام دین غم و اندوه و بی نشاطی است، درحالی‌که خدا به صراحت می‌گوید: قل من حرم زینة...! التی اخرج لعبادة والطیبات من الرزق قل هی للذین آمنوا فی الحیاة الدنیا خالصة یوم القیامة کذلک نفصل الایات لقوم یعلمون. چه کسی این زیبایی‌هایی را که خدا از درون طبیعت برای بندگانش بیرون کشیده، حرام کرده است؟ بگو این مواهب، این زیبایی‌ها، برای مردم باایمان در همین زندگی دنیااست. در زندگانی جاوید و آخرت هم همین زیبایی‌ها و همین مواهب برای مردم باایمان است؛ با این تفاوت که در این دنیا زیبایی‌ها به زشتی‌ها آلوده است و شادی‌ها به غم آمیخته، ولی در رستخیز این زیبایی‌ها و این مواهب پاک برای مردم باایمان به صورت خالص وجود دارد. اصولا اسلام به بهره‌مندشدن از زیبایی‌ها، مواهب زندگی و عوامل نشاط آور اهمیت می‌دهد. البته نشاط و شادی خالص در دسترس هیچ کس نیست، ولی در حدودی که قوانین حق و عدالت اجازه می‌دهد، مردم باایمان می‌توانند از آن بهره‌مند شوند و متعلق به آن‌ها هست. اما در روز آخرت به شرط ایمان و نیکوکاری، شادی بدون غم نصیب انسان می‌شود. بیش از چندصد آیه از قرآن کریم، مردم مسلمان را به ایمان و راستی و درستکاری دعوت می‌کند و می‌گوید که اگر در این دنیا پاک بودید، به شما بهشت می‌دهیم. مگر سدها آیه مردم باایمان را به بهشت نوید نمی‌دهد؟ خب بهشت چیست؟ تابلویی که قرآن از بهشت ترسیم می‌کند، یک زندگی سراسر نشاط و بهره‌مند از همه زیبایی‌های خالص و پاک را نشان می‌دهد. آیا مذهبی که به مردم باایمان و درستکار می‌گوید سرانجام پاداش شما در دنیای جاوید چنین زندگانی است، می‌تواند مذهبی ضدنشاط باشد؟! مسلمان‌ه، مذهب ما نشاط و تفریح را به عنوان نعمت تلقی می‌کند و آن را به صالحان وعده می‌دهد. در مقابلش، غم و اندوه را به عنوان عذ^۱ "ان در کتاب حکیمش مطرح می‌کند.

قرن المنازل؛ میقات



در شماره‌های پیشین گفتیم که میقات جایگاهی است که زیارت بیت‌ا... الحرام از آنجا شروع می‌شود و حاجیان نمی‌توانند بدون احرام از میقات عبور کنند یا قبل از آن محرم شوند، مگر در صورت نذر. پس همه کسانی که از کشورهای مختلف و راه‌های دور عزم مکه کرده‌اند و می‌خواهند حج و عمره به جا بیاورند، باید در میقات محرم شوند. خداوند راه‌هایی برای ورود به بیت‌ا... الحرام بیان فرموده و رسول گرامی اسلام جایگاه و زمان آن رامعین فرموده است که به آن میقات می‌گویند. تا امروز سه میقات حج راشمرده ایم. قرن المنازل چهارمین میقات است. باشد که روزی از همین روزها هر کدآمان میهمان میقاتی باشیم که ما را به دیدار کعبه و زیارت بیت‌ا... الحرام برساند. قرن المنازل میقات اهل یمن و طائف است و در روایات آمده میقات اهل نجد است که این به دلیل تعدد راه‌هاست. گفته شده قرن المنازل دهی است که تا مکه فاصله دارد. «قرن» کوهی است مشرف به سرزمین عرفات که از مکه دو مرحله فاصله دارد. به آن قرن الثعالب و قرن هم گفته می‌شود. کافی است این اندازه‌ها را محاسبه کنیم و به این نتیجه برسیم که هر دو مسافت تقریباً به یک اندازه است و امروز هم قرن المنازل مشخص و معلوم است. یکی از شاعران عرب به نام عمر بن ابی ربیع، درباره قرن المنازل می‌گوید:

ألم تسأل الربع أن ینطقا
بقرن المنازل قد أخلقأ؟

آیا نمی‌پرسی مکانی را که دوستان در فصل بهار در آن جمع بودند تا اینکه سخن بگویند، آن مکان در قرن المنازل است که همه چیز آن نابود شده است؟

سلوک سائلانه

دعای اول تادعای هفتم، سیری در آموزه‌های معرفتی و سلوکی صحیفه سجادیه

اگر می‌خواهید درباره دعا‌های امام سجاد^(ع) بیشتر بدانید و به معنای عمیق آن‌ها پی ببرید، به شما پیشنهاد می‌کنیم کتاب «سلوک سائلانه، اثر محمدرضا فریدونی را بخوانید. این اثر در شرح و تفسیر دعای اول تا هفتم صحیفه گران قدر سجاده است. از ویژگی‌های خوب این کتاب بیان سیروسلوک عارفانه و پرپیچ وخم سالک برابر خالق هستی است؛ اما با زبانی روان و راحت خوان که علاوه بر توانایی نویسنده بر ادبیات، نشان‌دهنده تسلط او بر محتواست. این کتاب را نشر تمدن نوین در ۳۱۸ صفحه چاپ و منتشر کرده است.



۳شنبه
آذر ۱۴۰۱
شماره ۲۲
شهریار

۱۴



سوره مؤمنون: ۸، ۹ و ۱۰
ترجمه آیت ... مکارم شیرازی

و آن‌ها که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند و آن‌ها که بر نمازهایشان مواظبت می‌کنند، (آری) آن‌ها وارثان‌اند.

سوره مؤمنون: ۸، ۹ و ۱۰
ترجمه آیت ... مکارم شیرازی

و آن‌ها که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند و آن‌ها که بر نمازهایشان مواظبت می‌کنند، (آری) آن‌ها وارثان‌اند.

حجت الاسلام والمسلمین رفیعی در گفت‌وگو با شهرآرا مطرح کرد

حق الناس در قیامت زمین گیر مان می‌کند

«حق الناس» تعبیری است که همه ما به کرات آن را شنیده و حتی به آن دغدغه‌مند شده ایم؛ اما مثل خیلی امور دیگر که تکرارشان باعث شده است برایمان عادی شود، بیشتر اوقات از کنارش به سادگی می‌گذریم. درحالی‌که همین واژه به‌ظاهر ساده تأثیری خاص در زندگی و سعادت نه فقط دنیا، بلکه حیات اخروی ما دارد. مسئله‌ای که در گفت‌وگو باحجت الاسلام والمسلمین دکتر ناصر رفیعی، استاد جامعة المصطفی^(ص) العالمیه و خطیب مذهبی، به بحث گذاشته ایم و مشروح آن در ادامه می‌آید.

● تعبیر حق الناس به چه معناست و آیا به گروه وقشی خاص اختصاص دارد یا باید درباره همه رعایت شود؟

حق الناس گستره‌ای وسیع دارد و حقوق طبیعی، مدنی و دینی افراد را شامل می‌شود. مهم آن است که در برخورداری از این حق، تفاوتی بین زن و مرد، فقیر و غنی، سیاه و سفید و... وجود ندارد. بنابراین، حتی اگر حق کودکی سلب شود، حق الناس به شمار می‌آید. علاوه بر این، در حق الناس قدر و اندازه نیز مهم نیست، بلکه حتی به اندازه یک گندم هم که باشد، محاسبه می‌شود و انسان را از رحمت خدا دور می‌کند.

حق الناس بر دو قسم است: گاهی مالی است مثل قرضی که از کسی گرفته و نپرداخته ایم. ضرری مالی که به کسی وارد یا در امانتی خیانت کرده ایم؛ بخش دیگر حق الناس مربوط به عرض یعنی آبروی افراد می‌شود. اسلام در این باره اهمیت بسیاری قائل است، چنان‌که خدای متعال در آیه نوزده سوره مبارکه نور می‌فرماید: «ان الذین یحیون ان تشیع الفاحشة فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا و الآخرة، آن‌ها که تمایل به ریختن آبروی افراد مؤمنان دارند، عذابی دردناک در انتظارشان است.

قرآن در سوره مبارکه حجرات، شش گناه

مسخره کردن، تجسس کردن، عیب جویی کردن، اسم بد برای دیگران گذاشتن، سوءنظور زدن و ریختن آبروی دیگران را مذمت می‌کند. این گناهان همه در زمره حق الناس هستند. ● آموزه‌های دینی به رعایت حق الناس چه جدیت و اهمتامی دارند؟ بی‌توجهی به آن چه عواقبی برای انسان دارد؟

طولانی‌ترین آیه قرآن یعنی آیه ۲۸۲ سوره مبارکه بقره به حق الناس اختصاص دارد که اهمیت این مسئله را به خوبی نشان می‌دهد. بی‌توجهی به حق الناس و تضییع آن عواقب سوء دنیوی و اخروی دارد. بنابر روایات، هر کس مال مردم را از روی ظلم و ستم بخورد و آن را بازنگرداند، این مال مانند پاره‌ای از آتش است و باعث عذاب اودر قیامت می‌شود. قرآن می‌فرماید: «ان ربک لبالمرصاد»، در حدیث است مرصاد کمین‌گاهی است در صراط که هر کس حق الناس بر گردش باشد، از آن عبور نمی‌کند.

از مصادیق ظلم، ظلم اجتماعی است که قایل آموزش و بخشش و گذشت نیست، چون اگر طرف مقابل نبخشد، خدا هم نمی‌بخشد. بنابراین، پیامبر^(ص) فرمودند: می‌دانید مفلس و بدبخت واقعی کیست؟ گفتند: خیر، یا رسول...! ^(ص)! حضرت فرمودند: بدبخت واقعی کسی است که با پرونده نوری وارد محشر و حکم بهشت اونیز صادر می‌شود، اما به دلیل حق الناسی که بر گردن دارد، از اعمال حسنه اش کم و به مردم داده می‌شود تا راضی شوند. تاجایی که حکم بازمی‌گردد و بهشت را از دست می‌دهد!

قرآن می‌فرماید انسان در روز قیامت از پنج گروه می‌گریزد: «یوم یفر المرء من اخیه وامه و ابیه و صاحتیه و بنیه،» مرحوم طبرسی در مجمع البیان می‌نویسد: «مردم همه در آن روز دنبال حسنات و افزایش ثواب‌های خویش هستند و متوجه می‌شوند هر کس حق الناسی بر گردن دارد، از حسناتش کسر و به صاحبان حق داده می‌شود. بنابراین، از آن‌هایی که احتمال بیشتری هست که حششان راضیع کرده باشد، یعنی برادر، پدر و مادر، همسر و فرزند قرار می‌کند! هر چند این فرار فایده‌ای ندارد...»



حق الناس بر دو قسم است: گاهی مالی است مثل قرضی که از کسی گرفته و نپرداخته ایم، ضرری مالی که به کسی وارد یا در امانتی خیانت کرده ایم؛ بخش دیگر حق الناس مربوط به عرض یعنی آبروی افراد می‌شود

اولین نفر

روایتی درباره شأن شهید در دین اسلام

اولین بودن، برتری و تقدم بر دیگران را نشان می‌دهد. وقتی شخصی در مواردی خاص، مقدم بر بقیه است، گویی به خودی خود نوعی جایزه و پاداش به او داده شده که ممکن است دیگران به او حسادت ورزند. اما نمی‌دانند که هیچ برتری به او حسادت ورزند.

«اولین و بهترین جایزه متعلق به چه کسی است؟» «اولین نفر چه کسی به روی صحنه می‌رود؟» برای همه ما از کودکی، «اولین‌ها مهم بوده‌اند، چرا که

از کودکی، «اولین‌ها مهم بوده‌اند، چرا که

امام علی^(ع)
غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۰۰

شادی مؤمن آنگاه است که پروردگارش را اطاعت کند و اندوهش آنگاه است که گناه کند.

امام علی^(ع)
غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۰۰

شادی مؤمن آنگاه است که پروردگارش را اطاعت کند و اندوهش آنگاه است که گناه کند.



حق الناس ودینی که بر گردن انسان است، حتی با شهادت برطرف نمی‌شود. روزی نیز پیامبر^(ص) پس از اقامه نماز جماعت به سوی مردم بازگشتند و فرمودند: کسی از قبيله بنی نجار در مسجد نیست؟ شخصی برخاست و گفت: من هستم. حضرت^(ص) فرمودند: به آن‌ها خبر دهید یکی از قوم شما که شهید شده است، در ورودی بهشت به دلیل سه درهم قرضی که دارد، معطل مانده است. آن را ادا کنید!

● در گنجینه سیره معصومان^(ع) و روایات آن حضرات، دغدغه‌مندی به رعایت حق الناس بطور بیان شده است؟ خلیفه سوم ریخت و پاش مالی بسیاری می‌کرد تاجایی که کار او در مدینه بالا گرفت و انقلاب شد و در نهایت به قتل رسید. نقل است روزی ابوذر نزد او رفت و گفت: پادش هست شبی من و تو محضر پیامبر^(ص) رفتیم و ایشان را غمگین و پریشان یافتیم، اما چون صبح ایشان را زیارت کردیم، خوش حال بودند و وقتی دلیل را پرسیدیم، فرمودند: دیشب چهار دینار از بیت المال نزد من بود و بیم آن داشتم اگر از دنیا بروم، چطور آن‌ها را بازگردانم؟! صبح که آمدید، بر اثر تقسیم آن‌ها، راحت و خوش حال بودم! (بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۲۶) این‌ها افسانه نیست، عین تاریخ است که مرورشان امروز ما را متحول می‌کند. علاوه بر این، نقل است شخصی مسلمان شد و به پیامبر^(ص) گفت: من جهاد را دوست دارم. اگر شهید شوم، پاداش آن چیست؟ حضرت فرمودند: بهشت. پس از لحظاتی رسول خدا^(ص) او را صدا زدند و فرمودند: جبرئیل به من گفت مگر آنکه حق الناس بر گردنش نباشد! این یعنی



درهای بهشت، پیش از همه، ابتدا به او اجازه ورود می‌دهد تا جایگاه و شأن شهید را بالاتر ببرد. امام رضا^(ع) از قول جد خود می‌فرمایند: «اول من یدخل الجنة شهید، اولین کسی که وارد بهشت می‌شود، شهید است،»

حقوق مردم بر ذمه انسان

اگر کودکی به سن تکلیف نرسیده و حق الناسی مرتکب شده است که جنبه مالی دارد، مثلاً دزدی یا غصب، آیا تکلیف به جبران دارد؟

بله. باید به هر طریقی که ممکن است، پول را به کودک برسانید و لازم نیست بگویید بابت چه چیز است. حتی می‌توانید به وسیله شخصی دیگر به او برسانید یا به حساب بانکی او واریز کنید. صدقه دادن کفایت نمی‌کند.

نکته: کودکی که به سن تکلیف نرسیده است، برای حق الناس غیر مالی به صورت واجب تکلیفی ندارد.

برای جبران حق الناسی مثل غیبت چه باید کرد؟

اهدای ثواب اعمال کافی نیست، بلکه اگر زنده است و طلب حلالیت از او ممکن است و مفسده ندارد، باید از او حلالیت بطلبید و اگر در قید حیات نیست یا طلب حلالیت از او امکان ندارد، برایش استغفار کنید.

اگر شرایط حلالیت طبلیدن نباشد، توبه کافی است.

در صورت امکان از صاحبان حق حلالیت بطلبید و اگر این کار ممکن نیست، برای آن‌ها کار خیر کنید تا آن‌ها از شمار راضی شوند.